DOI: 10.48305/jhsr.v21i1.1586 Published by Vesnu Publications

Journal of Health System Research Vol. 21, No. 1, Spring

Received: 26.06.2024 Accepted: 20.08.2024 Published: 04.04.2025

Harms of Emotionally Abusive Relationships in Girls: A Qualitative Study

Farzane Ghasemi[1], Fahimeh Namdarpour[2], Yousef Gorji[3]

Original Article

Abstract

Background: Having a healthy relationship with cross-sex has numerous physical, psychological, and social benefits. However, it can also lead to traumatic experiences and debilitating symptoms that require significant time to heal, impacting a substantial portion of the global population. This study aims to investigate the detrimental effects of emotionally abusive relationships on girls.

Methods: This research employed a descriptive phenomenological approach. The participants consisted of nine female students aged between 20 and 30 years old who were involved in emotionally abusive relationships and referred to the counseling offices of Isfahan University of Medical Sciences, Isfahan, Iran. Data were collected through purposeful sampling and semi-structured interviews and were analyzed using Colaizzi's method. Lincoln and Guba's method was utilized to validate the findings.

Findings: The analysis of participants' interviews revealed three main categories and twelve subcategories: 1) emotional harms (negative emotions towards oneself and others, damage to self-esteem, symptoms of depression, anxiety, emotional proximity-seeking, and an inconsistent emotional plan), 2) behavioral harms (impulsive behavior and behavior driven by jealousy), and 3) cognitive harms (representation and mental review of negative memories, negative judgment towards oneself and others).

Conclusion: Many girls enter emotional relationships without adequate knowledge, leading to emotional, behavioral, and cognitive harm. Therefore, it is essential to prioritize the implementation of support, educational, and counseling programs in educational and counseling centers to prevent and mitigate these harms.

Keywords: Emotional abuse; Girls; Students; Phenomenology

Citation: Ghasemi F, Namdarpour F, Gorji Y. **Harms of Emotionally Abusive Relationships in Girls: A Qualitative Study.** J Health Syst Res 2025; 21(1): 89-99.

1- PhD Student, Department of Counseling, Khomeinishahr Branch, Islamic Azad University, Khomeinishahr, Isfahan, Iran
2- Assistant Professor, Department of Counseling, Khomeinishahr Branch, Islamic Azad University, Khomeinishahr, Isfahan, Iran
3- Assistant Professor, Department of Psychology, Khomeinishahr Branch, Islamic Azad University, Khomeinishahr, Isfahan, Iran
Corresponding Author: Fahimeh Namdarpour; Assistant Professor, Department of Counseling, Khomeinishahr Branch, Islamic Azad University, Khomeinishahr, Isfahan, Iran; Email: namdarpour@iaukhsh.ac.ir

This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 Unported License, which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.

[Downloaded from hsr.mui.ac.ir on 2026-11-14]

[DOI: 10.48305/jhsr.v21i1.1586]

DOI: 10.48305/jhsr.v21i1.1586 Published by Vesnu Publications

آسیب‌های روابط عاطفی آزار دهنده در دختران: یک مطالعه کیفی

فرزانه قاسمی[۱]، فهیمه نامدارپور[۲]، یوسف گرجی[۳]

مقاله پژوهشی

چکیده

مقدمه: داشتن یک رابطه سالم با جنس مخالف اثرات و فواید جسمی، روانی و اجتماعی به دنبال دارد، اما گاهی اوقات منجر به بروز روابط آسیب‌زا و علایم ناتوان‌کننده می‌شود که به طور طبیعی برای بهبود آن زمان بیشتری نیاز است و بخش قابل توجهی از جمعیت جهان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. پژوهش حاضر با هدف بررسی آسیب‌های روابط عاطفی آزار دهنده در دختران انجام شد.

روش‌ها: این مطالعه با استفاده از روش پدیدارشناسی توصیفی انجام گردید. شرکت‌کنندگان را ۹ دختر ۲۰ تا ۳۰ ساله درگیر روابط عاطفی آزار دهنده تشکیل داد که به دفاتر مشاوره دانشگاه علوم پزشکی اصفهان مراجعه کرده بودند. داده‌ها به روش نمونه‌گیری هدفمند و مصاحبه نیمه ساختار یافته جمع‌آوری و با استفاده از روش Colaizzi تحلیل شد. به منظور اعتبارسنجی یافته‌ها از روش Lincoln و Guba استفاده گردید.

یافته‌ها: تحلیل مصاحبه‌ها منجر به ظهور سه مقوله اصلی و دوازده مقوله فرعی گردید که شامل «آسیب‌های هیجانی (هیجان منفی نسبت به خود، نسبت به دیگری، آسیب به عزت نفس، نشانگان افسردگی، اضطراب، مجاورت‌جویی هیجانی و طرح هیجانی ناسازگار)، آسیب‌های رفتاری (رفتار تکانشی و رفتار مبتنی بر حسادت) و آسیب‌های شناختی (بازنمایی و مرور ذهنی خاطرات منفی، قضاوت منفی نسبت به خود و دیگری)» بود.

نتیجه‌گیری: اغلب دخترانی که بدون شناخت و آگاهی وارد روابط عاطفی می‌شوند، در این‌گونه روابط آسیب‌های هیجانی، رفتاری و شناختی را تجربه می‌کنند. بنابراین، لازم است اجرای برنامه‌های حمایتی، آموزشی و مشاوره‌ای در جهت پیشگیری و کاهش آسیب‌های ناشی از آن، در اولویت مراکز آموزشی و مشاوره‌ای قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: آزار عاطفی؛ دختران؛ دانشجویان؛ پدیدارشناسی

ارجاع: قاسمی فرزانه، نامدارپور فهیمه، گرجی یوسف. **آسیب‌های روابط عاطفی آزار دهنده در دختران: یک مطالعه کیفی.** مجله تحقیقات نظام سلامت ۱۴۰۴؛ ۲۱ (۱): ۹۹-۸۹

دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۴/۶ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۵/۳۰ تاریخ چاپ: ۱۴۰۴/۱/۱۵

مقدمه

توانایی ایجاد و حفظ رابطه صمیمانه و رضایت‌بخش، یکی از مهم‌ترین تکالیف تحولی است (۱) یک رابطه صمیمانه قوی، به واسطه تسهیل‌گری در ارضای نیازهای عشق، حمایت، عاطفه و فهمیده شدن بر سلامت روان فرد تأثیر می‌گذارد و بستری را فراهم می‌کند تا فرد با آسودگی خاطر به اهداف شخصی خود دست پیدا کند و با رضایت، از حیطه‌های دیگر زندگی خود لذت ببرد (۲). این روابط، بخش مهمی از زندگی بیشتر جوانان را تشکیل می‌دهد و برای آن‌ها می‌تواند جنبه‌های مهمی از هویت، منبع صمیمیت، امنیت عاطفی و موقعیت اجتماعی باشد (۳). دخترانی که در روابط عاطفی آزار دهنده قرار دارند، اغلب از نشانه‌ها و عواقب آن آگاه نیستند (۴). بر خلاف خشونت جسمی که به طور آشکار قابل مشاهده است، تشخیص آسیب‌ها و گزارش آزار عاطفی یک چالش است و این موضوع باعث می‌شود که در روابط به صورت پنهانی عمل شود و به آن توجه چندانی نگردد (۵). این پدیده در تمام فرهنگ‌ها و جوامع جهانی به عنوان یک مسأله فردی، خانوادگی و اجتماعی مشاهده می‌شود (۴).

تحقیقات نشان می‌دهد که شیوع آزار عاطفی نسبتاً بالا است؛ به طوری که از هر ده دانشجو در یک سال اخیر در دانشگاه میدوسترن، یک نفر سوء استفاده عاطفی را تجربه کرده است (۶). سوء استفاده یا آزار عاطفی، رفتاری است که برای کنترل، تهدید، تحت سلطه قرار دادن، تحقیر، تنبیه یا منزوی کردن شخص دیگری از طریق ترس یا شرم استفاده می‌شود و شامل رفتارهایی مانند ارعاب، بازی و عدم رضایت را می‌شود (۴). دختران نوجوانی که در روابط عاشقانه خود از آزار عاطفی رنج می‌برند، به طور قابل توجهی علایم افسردگی و آزار جسمی را در روابط خود گزارش می‌کنند (۷). تسلط/ ارعاب و کناره‌گیری خصمانه، اشکالی از سوء استفاده عاطفی می‌باشد که با افکار خودکشی رابطه دارد (۹، ۸). نتایج پژوهشی نشان داد که تجارب سوء استفاده عاطفی همراه با تاکتیک‌های مختلف از جمله بی‌ارزش کردن (۱۰)، زیر سؤال بردن، فراموش کردن عمدی و کنترل مکالمات است و با پیامدهای نامطلوب سلامت روانی و جسمی و عدم رضایت (۱۱) و همچنین، با کاهش احساس اعتماد به خود (۱۳، ۱۲)، بی‌اعتمادی به دیگران و در مواردی با رشد پس از سانحه همراه می‌باشد (۱۳). بر اساس

۱- دانشجوی دکتری تخصصی، گروه مشاوره، واحد خمینی‌شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، خمینی‌شهر، اصفهان، ایران
۲- استادیار، گروه مشاوره، واحد خمینی‌شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، خمینی‌شهر، اصفهان، ایران
۳- استادیار، گروه روان‌شناسی، واحد خمینی‌شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، خمینی‌شهر، اصفهان، ایران
نویسنده مسؤول: فهیمه نامدارپور؛ استادیار، گروه مشاوره، واحد خمینی‌شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، خمینی‌شهر، اصفهان، ایران
Email: namdarpour@iaukhsh.ac.ir

[Downloaded from hsr.mui.ac.ir on 2026-11-14]
[DOI: 10.48305/jhsr.v21i1.1586]

یافته‌های مطالعه‌ای در ایران، آزار عاطفی پیش‌بینی‌کننده اختلالات روانی از جمله افسردگی، اضطراب، ترس، افکار پارانوئید و وسواس در زنان است (۱۴).

بـه دلیل محدودیت در شـــناســـایی پدیده آزار عاطفی، به این مفهوم از منظر وســیعی پرداخته نشــده اســت. بنابراین، ضــرورت دارد با روش‌های عمیق‌تری به بررســی و شــناســایی آن پرداخت. با مرور متون چنین به نظر می‌رســد که تاکنون تحقیق کیفی جامعی در خصوص آسیب‌های روابط عاطفی آزار دهنده دختران انجام نشـده اسـت. پژوهش حاضـر به دنبال شـناخت و آگاهی عمیق‌تر نسبت به تجارب آســیب‌زای دختران درگیر روابط عاطفی آزار دهنده بود. شــناخت هرچه بهتر تجارب عاطفی آسـیب‌زا، می‌تواند به پیشـگیری و درمان آسـیب‌های ایجاد شده کمک کند. همچنین، می‌تواند اولین گام برای تدوین یک راهبرد مشــاوره و درمان مناســب باشـد که در سـطح مراکز آموزشـی، دانشگاهی، مشاوره‌ای و حتی سیاست‌گذاری نظام سـلامت روان کشـور مورد استفاده قرار گیرد. این اقدامات می‌تواند به بهبود سـلامت روان در سطح جامعه کمک نماید. از این‌رو، در مطالعه حاضر سعی شد تا با اســتفاده از روش کیفی، تجارب آســیب‌زای دختران درگیر روابط عاطفی آزار دهنده مورد واکاوی قرار گیرد. در واقع، تحقیق حاضــر به دنبال پاســخ به این سؤال بود که تجارب آسیب‌زای دختران دارای روابط عاطفی آزار دهنده چیست؟

روش‌ها

این پژوهش از نوع کیفی بود و با اسـتفاده از روش پدیدارشـناسی توصیفی انجام شـد. این رویکرد یک روش ذهنی می‌باشـد که برای توصیف تجربیات زندگی و درک معانی آن‌ها استفاده می‌شود.

جمعیت مورد بررسی را دختران دارای روابط عاطفی آزار دهنده مراجعه‌کننده به دفاتر مشـاوره دانشـگاه علوم پزشـکی اصـفهان تشـکیل داد. افراد بر اسـاس نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شـدند. معیارهای ورود به مطالعه شـامل دانشـجو و مجرد بودن، محدوده سنی ۲۰ تا ۳۰ سال، دارای روابط عاطفی آزار دهنده و عدم سـابقه هیچ‌گونه درمانی بود. افراد خارج از محدوده سـنی ۲۰ تا ۳۰ سال و تحت درمـان نیز به عنوان معیارهای خروج در نظر گرفته شــد. اجرای تحقیق به این صـورت بود که پس از مراجعه دختران به دفتر مشـاوره و بررسـی مقدماتی علت مراجعه آنان و آگاهی و اطمینان از این که موضوع و مسأله آنان در رابطه با هدف پژوهش می‌باشد، ابتدا توضیحاتی در مورد تحقیق و اهداف آن به شرکت‌کنندگان ارایه و از آنان درخواست شد در صورت تمایل در پژوهش شرکت نمایند. سپس با آن‌ها زمانی برای مصاحبه تعیین گردید. قبل از انجام مصاحبه، رضایت‌نامه کتبی آگاهانه از آن‌ها اخذ شـد. برای جلب همکاری بیشتر افراد، به آن‌ها اطمینان داده شـد که از کد برای محرمانه نگهداشـتن نام آن‌ها اسـتفاده می‌گردد. همچنین، محقق در مورد اخلاقیات تحقیق از جمله محرمانه بودن، ناشناس بودن و این که در صـورت تمایل می‌توانند از مصـاحبه انصـراف دهند، توضـیح داده شـد. تعداد نمونه‌ها به اندازه‌ای انتخاب شـد که عناصـر مطالعه به حد اشـباع برسند. پس از مصاحبه و ثبت پاسخ ۹ نفر، پاسخ‌های شرکت‌کنندگان به حالت اشباع رسید.

برای جمع‌آوری داده‌ها، از مصاحبه نیمه ساختار یافته استفاده گردید. سؤالات راهنمای مصاحبه از طریق مرور ادبیات و مشاوره با متخصصان این حوزه طراحی شد. محقق علاوه بر ضبط دیجیتالی مصاحبه‌ها، یادداشت‌های مختصری نیز ارایه کرد. مصـاحبه با سـؤالات کلی مانند «تجارب شـما در روابط عاطفی چیسـت؟»، «این به چه معناسـت؟» «چه آسـیب‌هایی را تجربه کردید؟»، و «لطفا بیشـتر توضـیح دهید.» به کاوش اطلاعات عمیق‌تر پرداخت. همچنین، سؤالات مشخصی بر اساس اطلاعات ارایه شده در مصاحبه تنظیم و پرسیده شد.

هر مصـاحبه ۴۵ تا ۷۵ دقیقه به طول انجامید. جمع‌آوری داده‌ها تا زمانی ادامه یافت که هیچ یافته جدیدی برای افزودن به داده‌های موجود وجود نداشـت (اشـباع داده‌ها). در تجزیه و تحلیل داده‌ها، پس از انجام هر مصاحبه و اجرای آن و اطمینان از مطابقت متون اجرا شـده با اطلاعات ثبت شـده، داده‌ها با دقت کدگذاری و طی هفت مرحله Colaizzi مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

در مرحله اول، به منظور درک و هم‌احسـاس شـدن با شـرکت‌کنندگان، توصـیفات آن‌ها بررسی و جملات، عبارات و بندهای مهم مرتبط با پدیده مطالعه شـد. در مرحله دوم، هر مصـاحبه به عنوان یک واحد جدا در نظر گرفته شـد و عبارات مهم به عنوان کدهای اولیه شناسایی گردید. در مرحله سوم، از کدگذاری اولیه متن که کدگذاری باز نامیده می‌شـود، مفاهیم یا کدهای اسـاسـی استخراج شـد. در مرحله چهارم، عبارات مربوط به پدیده در واحدهای معنایی سـازماندهی گردید. در مرحله پنجم، بر اسـاس اسـتنباط محقق از معنا و وابسـتگی کدهای اولیه، چندین کد اولیه زیر چتر یک مقوله فرعی نام‌گذاری شـد. مرحله ششم، در نهـایـت چنـدین مقولـه فرعی در یـک مقوله اصـــلی که از درجه انتزاع بالاتری برخوردار اسـت و مضمون خوانده می‌شود، قرار گرفت. جمع شدن مضامین حیطه اصـــلی را بـه وجود می‌آورد. بـه عبـارت دیگر، کدگذاری ادامه یافت تا اطمینان حاصـل شـود که همه مفاهیم در متون، تحت یک کد واحد هسـتند. در مرحله هفتم و پـایانی، برای اعتبارســنجی یافته‌ها از روش Lincoln و Guba (۱۵) اسـتفاده شـد. در این روش، داده‌ها در چهار معیار بررسـی شـدند. از آن‌جایی که معیـار انتقال‌پذیری به میزان قابل انتقال نتایج تحقیق به محیطی متفاوت و استفاده از آن برای جمعیتی متفاوت اشاره دارد، این معیار با ثبت و توصیف واضح فرایند مطالعه به ویژه نمونه مورد بررسـی به دسـت آمد. برای اطمینان‌پذیری به عنوان معیار دوم که به روش جمع‌آوری و استفاده از داده‌ها اشاره دارد، کل فرایند پژوهش شامل جمع‌آوری داده‌های خام، شناسایی اصطلاحات مرتبط، کدگذاری و تشـکیل مقوله‌ها، چندین بار با دقت مرور و بررسـی گردید. تأییدپذیری به عنوان معیار سـوم به این اشـاره می‌کند که آیا یافته‌ها واقعاً بر اسـاس داده‌ها هسـتند یا خیر؟ برای رسـیدن به این معیار، تلاش شـد تا از قضـاوت‌های زودهنگام، پیش‌داوری‌ها و عقاید شـخصـی پرهیز شود. در جهت باورپذیری به عنوان معیار آخر، از روش مؤثر جمع‌آوری داده‌ها و بهره‌گیری از نظرات کارشـنـاسـان برای کنترل دقیق‌تر فرایند تحقیق استفاده گردید.

یافته‌ها

در مجموع، با ۹ شـــرکت‌کننده دختر دارای روابط عاطفی آزار دهنده مراجعه‌کننده به دفاتر مشـاوره دانشـگاه علوم پزشـکی اصـفهان به مدت ۴۵ تا ۷۵ دقیقه مصـاحبه صورت گرفت. سایر ویژگی‌های فردی شرکت‌کنندگان در جدول ۱ ارایه شده است.

بر اسـاس بررسـی و تحلیل مصـاحبه‌ها، ۳ مقوله اصـلی و ۱۲ مقوله فرعی اسـتخراج گردید (جدول ۲) که شـامل «آسیب‌های هیجانی (هیجان منفی نسبت به خود، هیجان منفی نسـبت به دیگری، آسـیب به عزت نفس، نشـانگان افسردگی و اضـطراب، مجـاورت‌جویی هیجـانی و طرح هیجـانی)؛ آسـیب‌های رفتاری (رفتار تکانشـی، رفتار مبتنی بر حسـادت) و آسـیب‌های شـناختی (بازنمایی و مرور ذهنی خاطرات منفی، قضاوت منفی نسبت به خود، قضاوت منفی نسبت به دیگری)» بود.

[Downloaded from hsr.mui.ac.ir on 2026-11-14]

[DOI: 10.48305/jhsr.v21i1.1586]

جدول ۱. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی دختران دارای روابط عاطفی آزار دهنده

شرکت کننده	سن (سال)	رشته تحصیلی	مقطع تحصیلی	مدت زمان رابطه (ماه)
۱	۲۲	دندان‌پزشکی	دکتری	۱۳
۲	۲۳	پزشکی	دکتری	۸
۳	۲۸	آموزش بهداشت	ارشد	۱۱
٤	۲٦	فن‌آوری نوین	ارشد	۹
٥	۲۸	پزشکی	دکتری	۱۰
٦	۲۱	پزشکی	دکتری	۱۲
۷	۲۱	تغذیه	ارشد	۹
۸	۲٤	پزشکی	دکتری	۸
۹	۲۲	داروسازی	دکتری	۲۸

آسیب‌های هیجانی

در تحلیل مصاحبه‌ها، مقوله‌های فرعی «هیجان منفی نسبت به خود، هیجان منفی نسبت به دیگری، آسیب به عزت نفس، نشانگان افسردگی، نشانگان اضطراب، مجاورت‌جویی هیجانی و طرح هیجانی» تحت عنوان مقوله اصلی آسیب هیجانی طبقه‌بندی گردید.

هیجان منفی نسبت به خود: دخترانی که در مصاحبه شرکت کرده بودند، در تجارب خود یک فرایند خودانتقادگری، احساس ناکافی بودن، حقارت، خشم و تنفر از خود را بیان نمودند. احساس حقارت، تنفر از خود، خشم نسبت به خود و احساس ناکافی بودن در مقوله هیجان منفی نسبت به خود کدگذاری گردید. دختر ۲۲ ساله بیان نمود: «هم از خودم و هم از اون به شدت متنفرم».

هیجان منفی نسبت به دیگری: از دیگر تجربیات شرکت‌کنندگان این بود که نمی‌توانند به دیگران اعتماد کنند و خشم و نفرت آن‌ها نسبت به دیگران تمام وجودشان را فراگرفته است. بی‌اعتمادی، شک و تردید، ترس و احساس خشم به دیگری در مقوله هیجان منفی نسبت به دیگری کدگذاری شد. دختر ۲۸ ساله اظهار داشت: «این رابطه من را خیلی شکاک کرد و من خیلی آدم شکاکی شدم. به بقیه آدما هم شک دارم، دیگه هیچ کس قابل اعتماد نیست. وقتایی که بی‌محلی می‌کنه، به شدت ازش متنفر می‌شم. اعتمادم را از بقیه از دست دادم؛ به خاطر محبت‌هایی که جواب ندادند».

آسیب به عزت نفس: مهم‌ترین تجربیات شرکت‌کنندگان شامل احساس بی‌ارزشی و نداشتن جذابیت کافی در رابطه، احساس نازیبا بودن و این که شاید دارای نقصی هستند، بود. همچنین بیان نمودند اگر زیباتر و یا جذاب‌تر بودند، شاید مورد آزار و اذیت قرار نمی‌گرفتند. احساس خفت و خواری و بی‌ارزشی، خودکم‌بینی، عدم رضایت از خود، نداشتن جذابیت، کامل نبودن و نقص داشتن، عدم پذیرش خود در مقوله آسیب به عزت نفس کدگذاری گردید. دختر ۲۸ ساله در این زمینه گفت: «به خودم می‌گم تو زیبا نیستی، تو کامل نیستی، چقدر بی‌ارزشی، جذابیت کامل نداری، حتماً تو نقص داری که باهات این‌طور رفتار می‌شه». دختر ۲۳ ساله ذکر کرد: «من تو این رابطه هیچی به دست نمیارم، خشمگین می‌شم، احساس بی‌ارزشی می‌کنم، ولی باز هم نمی‌تونم ازش دل بکنم».

نشانگان افسردگی: شرکت‌کنندگان در نتیجه روابط عاطفی آسیب‌زا، علایمی مانند نداشتن توان و انرژی لازم در انجام امور خود، احساس غمگینی و ناامیدی از بهبود رابطه و شرایط زندگی و این که ای کاش می‌مردم و داشتن افکار خودکشی را بیان نمودند.

جدول ۲. تجارب روابط عاطفی آسیب‌زا شرکت‌کنندگان

مقوله اصلی (درون‌مایه)	مقوله فرعی	مفاهیم
آسیب هیجانی	هیجان منفی نسبت به خود	احساس حقارت، تنفر از خود، خشم نسبت به خود
	هیجان منفی نسبت به دیگری	ترس از دیگران، بی اعتمادی، شک و تردید، احساس خشم به دیگری
	آسیب به عزت نفس	احساس خفت و خواری و بی‌ارزشی، خودکم‌بینی، عدم رضایت از خود، نداشتن جذابیت، کامل نبودن و نقص داشتن، عدم پذیرش خود
	نشانگان افسردگی	کاهش سطح انرژی و احساس خستگی، افکار خودکشی، احساس غمگینی، ناامیدی و افسردگی
	نشانگان اضطراب	ترس از قضاوت دیگران، ترس از مورد مشاهده قرار گرفتن، دلشوره، بی‌قراری و عدم تمرکز
	مجاورت‌جویی هیجانی	ترس از نبودن پارتنر، نیاز به صمیمیت، ناتوانی در ترک رابطه
	طرح هیجانی ناسازگار	ترس از طرد شدن، ترس از رها شدن، ترس از تنهایی، ترس از انزوا، احساس سرخوردگی
آسیب رفتاری	رفتار تکانشی	مشکل در تنظیم رفتار، از دست دادن کنترل و از کوره در رفتن، بددهنی و توهین کردن، ملامت، تحقیر، انتقاد و سرزنش کردن، تنبیه خود و تهدید به خودکشی
	رفتار مبتنی بر حسادت	کنترل کردن، چک کردن پیام‌ها، پاییدن پارتنر
آسیب شناختی	بازنمایی و مرور ذهنی خاطرات منفی	مرور مکرر صحنه خاطرات آزار دهنده، نشخوارهای ذهنی نسبت به اتفاقات
	قضاوت منفی نسبت به خود	من بی‌ارزشم، من لیاقت دوست داشته شدن را ندارم.
	قضاوت منفی نسبت به دیگری	دیگران قابل اعتماد نیستند، حمایتگر نبودن دیگری

[Downloaded from hsr.mui.ac.ir on 2026-11-14]
[DOI: 10.48305/jhsr.v21i1.1586]

کاهش سطح انرژی و احساس خستگی، افکار خودکشی، احساس غمگینی، ناامیدی و افسردگی در مقوله نشانگان افسردگی کدگذاری گردید. دختر ۲۳ ساله بیان نمود: «تو رابطه با اون افسردگیا تجربه کردم... وقتی به من کم‌محلی می‌کنه احساس پوچی و ناامیدی می‌کنم، احساس می‌کنم آدم سبکی هستم».

نشانگان اضطراب: برخی از دختران در روابط نگرانی و ترس از این را داشتند که دیگران آن‌ها را چگونه قضاوت می‌کنند و این که استرس زیادی را تجربه می‌نمایند و قادر به ایجاد تمرکز در رابطه نیستند، زود از کوره درمی‌روند و خیلی زودرنج شده‌اند و دایم بی‌قرار هستند. ترس از قضاوت دیگران، ترس از مورد مشاهده قرار گرفتن، دلشوره، بی‌قراری و عدم تمرکز در مقوله نشانگان اضطراب کدگذاری شد. دختر ۲۲ ساله گفت: «خیلی من مضطرب شدم، احساس دلشوره دارم. خیلی از کاه کوه می‌سازم، خیلی زودرنج شدم».

مجاورت‌جویی هیجانی: زمانی که رفتارهای دلبستگی شرکت‌کنندگان نمی‌توانست پاسخگویی آرام‌بخش از طرف پارتنرشان ایجاد کند، تصویری که از خود ارایه نمودند این بود که نیاز به صمیمیت و بودن بیشتر با او را احساس می‌کردند و خود را ناتوان در ترک رابطه می‌دیدند و ترس زیادی را از نبودن او تجربه می‌کردند. ترس از نبودن پارتنر، نیاز به صمیمیت، ناتوانی در ترک رابطه در مقوله مجاورت‌جویی هیجانی کدگذاری گردید. در این راستا، دختر ۲۶ ساله عنوان نمود: «اون زمان‌هایی هست که به من توجه نمی‌کنه یا بهش شک می‌کنم و موقع‌هایی که به تلفنم جواب نمی‌ده، می‌ترسم از دستش بدم و عصبانی می‌شم و شروع می‌کنم مرتب پیام دادن... به دوستاش زنگ می‌زنم و دنبالش می‌گردم می‌گم نکنه منا یادش بره، نکنه برای همیشه از دستش دادم».

طرح هیجانی ناسازگار: برخی از شرکت‌کنندگان واکنش‌های هیجانی ناسازگار از جمله ترس از تنهایی، طرد شدن، رها شدن، انزوا و احساس سرخوردگی را زمانی که با مسأله‌ای در رابطه مواجه می‌شدند، گزارش کردند که در مقوله طرح هیجانی ناسازگار کدگذاری شد. دختر ۲۲ ساله در این زمینه گفت: «مهم‌ترین خلأ زندگی من ترس از تنهاییه». دختر ۲۶ ساله اظهار داشت: «خیلی وقتا ترس تنها بودن و این که تو نمی‌تونی خودت تنهایی کاری رو انجام بدی و باید به یکی پناه ببری که بعد صد برابر صدمه‌اش بیشتره».

آسیب‌های رفتاری

در تحلیل مصاحبه‌ها، مقوله‌های فرعی «رفتارهای تکانشی و رفتار مبتنی بر حسادت» تحت عنوان مقوله اصلی آسیب‌های رفتاری طبقه‌بندی گردید.

رفتار تکانشی: برخی از شرکت‌کنندگان بیان نمودند مواقعی که با احساس تهدید نسبت به پایان رابطه روبه‌رو می‌شدند، رفتارهایی مانند تهدید به آسیب زدن به خود یا اقدام به خودکشی را به طور ناگهانی بدون تأمل و بدون تحلیل و ارزیابی صحیح از پیامدهای مثبت و منفی آن و تنها برای رسیدن به خواسته‌هایشان و جلب نظر دیگران انجام می‌دادند. مشکل در تنظیم رفتار، از دست دادن کنترل و از کوره دررفتن، بددهنی، توهین کردن، ملامت، تحقیر، انتقاد و سرزنش کردن، تنبیه و اقدام به خودکشی برای جلب نظر دیگران، در مقوله رفتار تکانشی کدگذاری گردید. دختر ۲۲ ساله بیان کرد: «دلم نمی‌خواست خودکشی کنم، بهش گفتم می‌خوام خودم را بکشم و گوشی را خاموش و اشکامو پاک کردم و اون احوالاتیه که اصلاً نمی‌فهمی داری چیکار می‌کنی و واقعاً می‌خواستم و امید داشتم که عشقم منو نجات بده و می‌خواستم برگرده و از اونجا دوباره رابطه شروع شد». دختر ۲۲ ساله عنوان نمود: «با حجم زیاد خیلی بهش فحش دادم. من اونو زدمش... سه تا کشیده محکم زدم تو گوشش. کسی باورش نمی‌شه من این کارو کرده باشم».

رفتار مبتنی بر حسادت: شرکت‌کنندگانی که پارتنرشان به آن‌ها خیانت و یا تهدید به ترک رابطه کرده بود، واکنش‌های افراطی از خود نشان دادند و شروع به چک کردن، تعقیب کردن و کنترل پارتنرشان می‌کردند. چک کردن و کنترل کردن در مقوله رفتار حسادت‌گونه کدگذاری گردید. دختر ۲۳ ساله اظهار داشت: «دختری که باهاش به من داره خیانت می‌کنه، از لحاظ مالی خیلی غنیه... خیلی پدرش وضعش خوبه. وقتی آدم فکر می‌کنه همچین رقیبی داره، یه حس بدی می‌گیره. یک پیج فیک زدم و واقعاً جواب داد و تونستم کنترلش کنم».

آسیب‌های شناختی

در تحلیل مصاحبه‌ها، مقوله‌های فرعی «بازنمایی و مرور ذهنی خاطرات منفی، قضاوت منفی نسبت به خود و قضاوت منفی نسبت به دیگری» تحت عنوان مقوله اصلی آسیب‌های شناختی طبقه‌بندی گردید.

بازنمایی و مرور ذهنی خاطرات منفی: برخی از افراد شرکت‌کننده بیان کردند که مرتب خاطرات رویدادهای منفی را در ذهنشان مرور می‌کنند. مرور مکرر خاطرات آزار دهنده، نشخوارهای ذهنی نسبت به اتفاقات در مقوله محوری بازنمایی و مرور ذهنی خاطرات منفی کدگذاری گردید. دختر ۲۱ ساله بیان نمود: «یک رفتارهایی نشون می‌ده انگار با افراد دیگه‌ای هم در ارتباطه و این خیلی منو آزار می‌ده... عمداً این کارو می‌کنه و من مرتب رفتارهای خودم و اونارو توی ذهنم مرور می‌کنم و به دنبالش خودم را هم سرزنش می‌کنم، اونارو هم سرزنش می‌کنم. تو ذهنم بهش فحش می‌دم، ولی باز هم دوباره به سمتش می‌روم». دختر ۲۱ ساله اظهار کرد: «مرتب جاهایی که آزارم داده توی ذهنم تکرار می‌شه و مثل یک فیلمی از جلوی چشمم رد می‌شه».

قضاوت منفی نسبت به خود و دیگری: برخی از شرکت‌کنندگان عنوان کردند وقتی که نمی‌توانستند رفتارهای توهین‌آمیز پارتنرشان را کنترل کنند، به خودشان می‌گفتند که ارزش دوستی یا عشق را ندارند و به دنبال این‌گونه تجارب، به خود و دیگری بدبین می‌شدند. من بی‌ارزشم، من لیاقت دوست داشته شدن را ندارم، دیگران قابل اعتماد نیستند و حمایتگر نبودن دیگری در مقوله‌های محوری قضاوت منفی نسبت به خود و دیگری کدگذاری گردید. دختر ۲۱ ساله در این زمینه گفت: «همش فکرهای بدی راجع به خودم می‌کنم. به خودم می‌گم من ارزشی برای این آدم ندارم و این آدم هم نمی‌تونه برای من حامی باشه و قابل اعتماد نیست. همش این فکر میاد تو سرم که هیچ‌کس نمی‌تونه واقعاً عاشق تو بشه و من آدم بی‌لیاقتیم». دختر ۲۸ ساله اظهار داشت: «به خودم می‌گم تو لیاقت بیشتر از اینا نداری... مگه تو چی داری که انتظار داری باهات خوب رفتار بشه، ولی اون هم آدم بی‌شعوریه که منو اینقدر کوچیک می‌کنه. این فکر که نمی‌شه بهش اعتماد کرد، آزارم می‌ده».

بحث

هدف اصلی از انجام پژوهش حاضر، درک و کشف آسیب‌های روابط عاطفی آزار دهنده دختران مجرد بود. مقوله‌های حاصل از تحلیل داده‌ها، تلاشی در جهت رسیدن به کسب آگاهی بیشتر و عمیق‌تر بود. دو مورد از مقوله‌های مرتبط با آسیب هیجانی، هیجان منفی نسبت به خود و دیگری است که شرکت‌کنندگان مطالعه حاضر آن را بیان کردند. تجربیات هیجانی راه‌های جدید را برای دیدن

[Downloaded from hsr.mui.ac.ir on 2026-11-14]
[DOI: 10.48305/jhsr.v21i1.1586]

«خود» و «دیگران» و راه‌های جدیدی برای مشارکت با خود و دیگران باز می‌کنند. این یافته با یافته‌های تحقیقات Riggs (۱۶)، Moreno-Manso و همکاران (۱۷)، Yoshihama و همکاران (۱۰) همخوانی داشت. Riggs در پژوهش مروری خود بیان نمود که آزار عاطفی باعث ایجاد دلبستگی ناایمن و دیدگاه منفی نسبت به خود و دیگران و پاسخ‌های مقابله‌ای ناسازگار می‌گردد و کیفیت روابط عاشقانه بزرگسالی را شکل می‌دهد (۱۶). Moreno-Manso و همکاران در بخشی از مطالعه توصیفی بر روی زنان دانشجو گزارش کرد که تظاهرات آزار روانی با میزان بالایی از سرزنش در روابط خود، تحقیر و توهین همراه می‌باشد (۱۷). نتایج تحقیق Yoshihama و همکاران که بر روی زنان به روش توصیفی انجام شد، نشان داد که زنان در معرض آزار عاطفی، مواردی شامل احساس بد در مورد خود را گزارش کردند (۱۰).

هیجان منفی نسبت به خود، یک فرایند خودانتقادگری است (۱۸). Johnson و Campbell در پژوهش خود اشاره کردند که کارکرد اصلی هیجان، برقراری ارتباط با نیازها، انگیزه‌ها و اولویت‌های فرد با خود و دیگران است (۱۹). یک فرد دارای اضطراب، منفی‌ترین دیدگاه هیجانی را نسبت به خود دارد و معتقد است که سزاوار پاسخ منفی است و تنفر را به خود نسبت می‌دهد و در راستای محافظت از شیء اصلی از دلبستگی خود محافظت می‌نماید (۲۰). تمایل به احساس تحقیر، سبب سرزنش مداوم خود بر اساس عدم توانایی و کفایت و قرار گرفتن در یک چرخه منفی، منجر به تشدید احساس تحقیر، خشم و تنفر از خود می‌شود (۲۱). به نظر می‌رسد فرد وابسته و در معرض آسیب، ضعف یا ناکافی دانستن خود را هسته اصلی سازماندهی خود تلقی می‌کند و برای تغییر احساس ناامنی در رابطه، خود را تنبیه، سرزنش، تحقیر و یا تحت فشار قرار می‌دهد. در افراد دلبسته اجتنابی، خشم، ناراحتی و نفرت نسبت به دیگران، منجر به بروز تجربه احساس ناراحتی در هنگام نزدیک شدن به دیگران می‌شود و ممکن است که فرد برای دور شدن و رهایی از این هیجانات منفی، به این فکر برسد که نمی‌تواند به دیگران اعتماد کند و از آن‌ها فاصله بگیرد. به نظر می‌رسد که ناتوانی برای داشتن هیجان منفی نسبت به شیء اصلی دلبستگی، در بزرگسالی به عنوان یک استراتژی بقا، منجر به نفرت از خود و پاسخ‌های انعطاف‌ناپذیر می‌شود (۲۲). علاوه بر این، هیجان منفی ممکن است به صورت خشم و آزردگی نسبت به خود ظاهر گردد و فرد مضطرب این خشم و عصبانیت را هنگامی که در معرض آزار عاطفی قرار می‌گیرد، به دیگران به ویژه افراد مهم فرافکنی کند و سعی می‌کند راهی برای دفع خشم خود بیابد (۲۰).

یکی دیگر از مقوله‌های مرتبط با آسیب هیجانی، آسیب به عزت نفس می‌باشد. آسیب‌های هیجانی، احساس خودارزشمندی، اعتماد به ادراک خویش و خودپنداره را تحت تأثیر قرار می‌دهد که در نتایج مطالعات Moreno-Manso و همکاران (۱۷) و Hancock و همکاران (۲۳) نیز به آن اشاره شده است. نتایج تحقیق Moreno-Manso و همکاران بر روی زنان دانشجو نشان داد که تظاهرات آزار روانی شامل از دست دادن عزت نفس می‌باشد (۱۷). Hancock و همکاران در پژوهش پیمایشی خود بیان نمودند که سوء استفاده عاطفی در روابط عاطفی، باعث کاهش عزت نفس و ناراحتی عاطفی می‌شود (۲۳). اضطراب دلبستگی به طور قابل توجهی با دریافت عشق، مراقبت و احساس ارزشمندی و پذیرش توسط دیگران مرتبط می‌باشد (۲۴) و ثابت شده است که اضطراب دلبستگی، همواره با عزت نفس پایین همراه است. افراد اجتنابی ممکن است جنبه‌های ناخواسته خود را انکار کنند، اما افراد دلبسته مضطرب بیشتر ویژگی‌های منفی خود را گزارش می‌کنند و عزت نفس پایین‌تری دارند (۲۶، ۲۵). در نهایت، بیشتر قربانیان علاوه بر سرزنش کردن خود به دلیل مشکلات روابط، به ارزش، حیثیت و حتی توانایی خود برای دوست داشته شدن نیز شک دارند. اغلب مردم آزار عاطفی را دردناک‌ترین شکل خشونت می‌دانند که بیشترین اثرات مخرب را بر عزت نفس دارد. این آسیب‌ها به طور عمیقی در وجود انسان نفوذ می‌کند و باعث ایجاد زخم‌هایی می‌شود که دیرتر از زخم‌های جسمی بهبود می‌یابد. این بدرفتاری‌ها، توهین‌ها، زخم‌ها، انتقادها و اتهامات، عزت نفس قربانی را به حدی از بین می‌برد که فرد قادر به تعیین وضعیت واقعی خود نیست و ممکن است به این باور برسد که مشکلی دارد (۴). به نظر می‌رسد که فرد با عزت نفس پایین، در روابط عاطفی همواره از این هراس دارد که مورد تأیید قرار نگیرد؛ حتی اگر این رابطه، رابطه‌ای باشد که امتیاز خاصی برای او نداشته باشد و فرد مجبور می‌شود که بسیاری از نیازها، آرزوها و حقوق خود را نادیده بگیرد (۲۷) و هر نوع رفتاری را بپذیرد.

دو مقوله یافت شده دیگر، آسیب‌های هیجانی نشانگان افسردگی و اضطراب هستند که ممکن است ناشی از عدم توانایی فرد برای مدیریت هیجانات خود در روابط آسیب‌زا باشد. نتایج مطالعات نشان داده است که بین افسردگی، اضطراب و پیامدهای آزار عاطفی ارتباط معنی‌داری وجود دارد که با یافته‌های تحقیقات براهیمی و همکاران (۱۴)، Longmore و همکاران (۲۸) و Wolford-Clevenger و همکاران (۲۹) در زمینه افسردگی هم‌راستا می‌باشد. Longmore و همکاران در پژوهش طولی خود گزارش نمودند که مشاجره و آزار عاطفی بر قربانی شدن و افسردگی تأثیر دارد (۲۸). براهیمی و همکاران در بخشی از مطالعه همبستگی خود به این نتیجه رسیدند که میان آزار عاطفی و افسردگی همبستگی معنی‌دار وجود دارد و آزار عاطفی پیش‌بینی‌کننده اختلالات روانی در زنان است (۱۴). Wolford-Clevenger و همکاران با انجام تحقیق مقطعی پیمایشی بیان کردند که تسلط/ ارعاب و کنارگیری خصمانه، اشکالی از آزار عاطفی می‌باشد که منجر به افسردگی و افکار خودکشی در روابط عاطفی در میان شریک‌های عاطفی می‌شود (۲۹) و با نتایج پژوهش‌های Abbas و همکاران (۳۰)، Chen و Qin (۳۱) در زمینه اضطراب همسو می‌باشد. Abbas و همکاران در مطالعه مقطعی خود گزارش کردند که سوء استفاده عاطفی، منجر به سطحی از اضطراب در زوجین می‌شود (۳۰). نتایج تحقیق Chen و Qin که با روش معادلات ساختاری انجام شد، دریافتند که آزار عاطفی به طور مثبت با اضطراب اجتماعی رابطه دارد (۳۱).

در رویکرد هیجان‌مدار، اضطراب ناسازگار اولیه به دلیل فعال شدن یک سازماندهی ناامن یا آسیب‌پذیر ایجاد می‌شود که با گذر زمان توسعه می‌یابد. یک سازماندهی خود مضطرب گاهی به دلیل الگوهای دلبستگی اضطرابی- اجتنابی شکل می‌گیرد که در آن افراد به فرد مهم دیگر متمایل می‌شوند و وقتی از او جدا می‌شوند، احساس ناامنی می‌کنند و یا این که کلاً از جستجوی دلبستگی منصرف و خودکفا می‌شوند. یک الگوی دلبستگی ناامن اغلب نتیجه‌ای از آسیب‌های دلبستگی تکراری است که باعث می‌شود فرد اعتماد به خودش را برای حمایت و مراقبت از خود از دست بدهد و یا به توانایی، حمایت و محافظت دیگران اعتماد نکند (۳۲). به نظر می‌رسد که افراد با الگوهای دلبستگی اجتنابی، بیشتر به افسردگی و انزوا دچار می‌شوند؛ در حالی که افراد با الگوهای دلبستگی اضطرابی، تجربه بالاتری از اضطراب و ترس از دست دادن و رها شدن خواهند داشت. همچنین، به نظر می‌رسد که رویدادهای آسیب‌زا همراه با محدود شدن

[Downloaded from hsr.mui.ac.ir on 2026-11-14]
[DOI: 10.48305/jhsr.v21i1.1586]

هیجانات، ممکن است باعث عدم توانایی فرد در بروز هیجانات مناسب شود و فرد نتواند به درستی هیجانات خود را بروز دهد و در نتیجه، ممکن است به شکل نشانگان اضطراب و افسردگی بروز نماید (۳۳).

مقوله یافت شده دیگر در آسیب‌های هیجانی، مجاورت‌جویی هیجانی می‌باشد. این یافته در پژوهش‌های Riggs و همکاران (۳۴)، Neumann (۳۵) و Dye و Davis (۳۶) نیز گزارش شده است. Riggs و همکاران در مطالعه‌ای بر روی روابط دوستیابی زوج‌ها، به این نتیجه رسیدند که سوء استفاده عاطفی به طور قابل توجهی با استراتژی‌های مجاورت‌جویی عاطفی و کیفیت روابط عاشقانه ارتباط دارد (۳۴). Neumann نیز در تحقیقی توصیفی با هدف بررسی اضطراب دلبستگی در روابط عاشقانه، بیان نمود که تجربیات آزار عاطفی و اضطراب دلبستگی در پیوندهای مجاورت‌جویی دلبستگی بزرگسالان ادامه می‌یابد (۳۵). Dye و Davis در پژوهشی با هدف اصلاح ویژگی‌های خاص رابطه عاطفی در ارتکاب تعقیب و آزار روانی بر دانشجویان در روابط عاطفی صمیمانه، گزارش کردند که دلبستگی مضطرب و نیاز به کنترل شریک عاطفی، منجر به جستجو و اشتیاق به نزدیکی می‌شود. از دست دادن ارتباط با منبع دلبستگی، نوع خاصی از ترس را القا می‌کند و نیازهای دلبستگی و جستجو برای مجاورت را افزایش می‌دهد (۳۶). اگر رفتارهای دلبستگی نتواند نیازهای عاطفی فرد را برآورده کند، یک فرایند اولیه از اضطراب جدایی رخ می‌دهد (۳۷). افراد دلبسته مضطرب در لحظات تهدید رابطه، سیستم دلبستگی‌شان به شدت فعال می‌شود و تلاش زیادی را برای حفظ مجاورت به مظهر دلبستگی و کنترل شریک عاطفی‌شان به منظور نزدیک نگهداشتن آن به کار می‌برند. هم‌چنین، آن‌ها زمانی که با نگرانی‌هایی مانند عدم دسترسی و عدم اعتماد به دیگران مواجه می‌شوند، برای دوری از احساسات ترس و اضطراب شدید ناشی از احساس رها شدن، به طور فعال طرف مقابل را زیر نظر می‌گیرند (۳۸). این راهبرد منجر به افزایش اضطراب، نشانه‌های هیجانی همراه با چسبندگی بیش از حد، اجتناب از جدایی و تمایل به جستجوی پاسخ‌های تأییدی می‌گردد و در نهایت، پریشانی ناشی از چسبندگی، منجر به احساس به دام افتادن، اجتناب یا سرکوب تجربه می‌شود (۳۹).

مقوله یافت شده دیگر مرتبط با آسیب هیجانی، طرح هیجانی ناسازگار است. این یافته با نتایج مطالعه Gay و همکاران (۴۰) همسو می‌باشد. آن‌ها دریافتند که بین تجارب دختران از سوء استفاده عاطفی شریک صمیمی و دلبستگی ناایمن و طرح‌های هیجانی ناسازگار، رابطه وجود دارد (۴۰). طرح هیجانی به یک سازه چند مؤلفه‌ای اشاره دارد که شامل فرایندهای عاطفی، شناختی، انگیزشی و رابطه‌ای است که در تجربه فرد شکل می‌گیرد. طرح‌های هیجانی به تنهایی پاسخی را ایجاد نمی‌کنند، بلکه با سایر عملیات ذهنی مختلف ترکیب می‌شوند تا پاسخ مناسب به موقعیت را ایجاد نمایند. طرح‌های هیجانی به دو دسته سازگار و ناسازگار تقسیم می‌شود. طرح‌های هیجانی سازگار انعطاف‌پذیر و با دریافت تجربیات جدید قابل تغییر می‌باشد، اما طرح‌های هیجانی ناسازگار مقاوم به تغییر هستند و به دلایل مختلفی شکل می‌گیرند. «خود» ممکن است به عنوان محور تجربیات هیجانی دردناک سازماندهی گردد و طرح‌های هیجانی ناسازگار را برای مقابله با رویدادها و احساسات دشوار شکل دهد. این طرح‌ها ممکن است غیر فعال باقی بمانند، اما در صورت روبه‌رو شدن با رویدادهای چالش‌برانگیز زندگی فعال و فراخوانده شوند. هم‌چنین، موقعیت‌های گذشته که به وضوح متمایز نشده‌اند، ممکن است باعث فعال شدن طرح‌های هیجانی ترس و آسیب‌پذیری شوند. وقتی فرد آسیب‌پذیر می‌شود، احساس ضعف و عدم پذیرش، نقص، بی‌ارزشی، غم و شرم همگی به رشد خودی دامن می‌زند که به صورت آسیب‌پذیر سازماندهی می‌گردد. با گذشت زمان، تجربه هیجانات دردناک مانند ترس از تنهایی، انزوا، طرد شدن، بی‌کفایتی و عدم پذیرش تشدید می‌شود؛ چرا که فرد احساس می‌کند منابع لازم برای محافظت، تسکین خاطر و حمایت کافی جهت مواجه شدن با موقعیت‌های تهدیدآمیز و تنظیم آشفتگی‌های خود را ندارد (۳۲). افراد دلبسته مضطرب گرایش به نگرانی و ترس شدید از رها شدن دارند (۳۸) و به طور وسواس گونه‌ای از این که توسط دیگران رها شوند، می‌ترسند و همین موضوع باعث بدگمانی بیشتر آنان می‌شود. به نظر می‌رسد این افراد به هنگام حل تعارض، اضطراب زیادی از خود نشان می‌دهند و به طور متقابل دیگران را تحت استرس شدید قرار می‌دهند و هر نوع تعارض پیچیده یا حتی ساده‌ای می‌تواند در آنان ایجاد آسیب نماید؛ چرا که آن‌ها به این باور می‌رسند که تعارض باعث از دست دادن فرد مورد دلبستگی‌شان می‌گردد و این برای آن‌ها مساوی با یک حمله شدید هیجانی است و در نتیجه، پاسخ‌های آنان نیز به طور متقابل پاسخ‌هایی مبتنی بر واکنش‌های شدید هیجانی مانند ناامیدی، ترس از دست دادن، نگرانی و استرس بیمارگونه خواهد بود (۴۱).

طبقه دیگر روابط عاطفی آزار دهنده، آسیب‌های رفتاری شامل مقوله‌های رفتار تکانشی و رفتار مبتنی بر حسادت می‌باشد. افرادی که واکنش‌های رفتاری فعال شده به صورت افراطی دارند، بیشتر از افراد با رفتارهای غیر فعال شده افراطی، هنگام قرار گرفتن در معرض آسیب و حمله به شخصیت دیگری، دست به رفتارهای تکانشی می‌زنند (۴۲). Francis و Pearson (۴۳) و Benjet و همکاران (۸) نیز در تحقیقات خود به آن اشاره کردند. Francis و Pearson در یک پژوهش نظرسنجی بیان نمودند که واکنش نوجوانان به آزار عاطفی، احساس تحقیر و پرخاشگری بود (۴۳). Benjet و همکاران در مطالعه خود با روش معادلات ساختاری بر روی دختران، پیش‌بینی‌کننده‌ها در مدل نهایی را مشاجره‌های مداوم در روابط عاشقانه و سوء استفاده‌ها بیان نمودند (۸). Forward معتقد است که رفتار پرخاشگرانه از برآورده نشدن نیازهای دلبستگی سرچشمه می‌گیرد. همچنین، معتقد است که خشم در روابط نزدیک، اغلب اوقات تلاشی برای ارتباط با یک معشوق به ظاهر غیر قابل دسترس است. او بین خشم از روی امید که در آن انتظار واکنش قابل ملاحظه‌ای می‌رود و خشم ناامیدانه که مستأصلانه و اجباری است، تمایز می‌گذارد. برخی از افراد خشم را متوجه خود می‌سازند و تأکید می‌کنند که اگر به خواسته‌هایشان نرسند، چه به سر خود می‌آورند و نشان می‌دهند که چه می‌خواهند و این که در صورت عدم اطاعت چه عواقبی در انتظار فرد مقابل خواهد بود، اما در هر صورت خشمی که احساس می‌کنند، به طور مستقیم متوجه طرف مقابل خواهد شد. در واقع، افراد دلبستگی مضطرب برای کسب تأیید توسط دیگران هزینه می‌کنند تا بتوانند به طور موقت تسکینی برای غنای درونی خویش بیابند و به افزایش احساس ارزشمندی خود کمک کنند. این عمل باعث فشارهای زیاد به پارتنر و اعتراض و نارضایتی شدید او می‌شود (۴۴). به نظر می‌رسد این افراد در شرایطی که احساس کنند رابطه رو به تهدید است، رفتارهای تکانشی معطوف به خود و دیگری را از روی ناامیدی نشان می‌دهند.

رفتار مبتنی بر حسادت، یکی دیگر از مقوله‌های مربوط به طبقه آسیب‌های رفتاری به شمار می‌رود که شرکت‌کنندگان بیان کردند. به این یافته در نتایج تحقیقات Leisring (۴۵)، Hazan و Shaver (۴۶) و Steyert-Woods (۴۷) نیز اشاره شده است. Leisring در پژوهشی بیان کرد که آزار عاطفی از

[Downloaded from hsr.mui.ac.ir on 2026-11-14]

[DOI: 10.48305/jhsr.v21i1.1586]

سوی شریک عاطفی، باعث ایجاد خشم، حسادت و استرس در میان زنان دانشگاه شد (۴۵). Steyert-Woods در مطالعه مرور سیستمی و قوم‌نگاری، امکان نظارت و کنترل و آزار شریک عاطفی را ذکر کرد که تأثیرات منفی قابل توجهی برای سلامت روان ایجاد می‌کند و به دنبال آن، رفتارهای مبتنی بر حسادت شامل تماس مکرر با شریک عاطفی، چک کردن و بررسی حساب‌ها، این که کجا هستند و با چه کسی هستند و درخواست حذف رابطه با دوستان دیگر را گزارش نمود (۴۷). Hazan و Shaver در تحقیق خود بیان نمودند افرادی که در روابط آسیب‌زا واکنش‌های افراطی و رفتارهای حسادت‌آمیز را از خود نشان می‌دهند، اغلب دارای سبک دلبستگی اضطرابی می‌باشند. افراد مضطرب زمانی که احساس کنند شریک عاطفی‌شان آن‌ها را ترک خواهد کرد، سطوح بالاتر حسادت، سوءظن و نگرانی را تجربه می‌کنند و در موقعیت‌هایی که حسادت آن‌ها برانگیخته می‌شود، با سطوح بالایی از ترس، پریشانی و خشم پاسخ می‌دهند (۴۶). نتایج پژوهش‌ها نشان داده است که دلبستگی ناایمن در روابط عاطفی، ممکن است با وسواس، حسادت و افراط در احساسات همراه باشد. افراد دلبسته مضطرب به هنگام حل تعارض، اضطراب زیادی را تجربه می‌کنند (۴۸) و این اضطراب به شریک عاطفی‌شان نیز منتقل می‌گردد (۴۹). به نظر می‌رسد که این رفتارهای حسادت‌آمیز در حالات افراطی، منجر به بروز رفتارهایی مانند کنترل رفتار، پاییدن، ملاحظه دقیق فعالیت‌های روزانه، بررسی متعلقات و حتی دنبال کردن و تعقیب کردن شخص مقابل می‌شود.

طبقه یافت شده دیگر، آسیب‌های شناختی است که یکی از مقولات به دست آمده در مقوله آسیب‌های شناختی، بازنمایی و مرور ذهنی خاطرات منفی می‌باشد. برخی از افراد شرکت‌کننده بیان نمودند که پس از رویدادهای ناراحت‌کننده، یادآوری خاطرات هیجانی منفی در آن‌ها سریع‌تر و فراوان‌تر شده است. به نظر می‌رسد در افرادی که دچار آسیب‌های عاطفی و روانی زیادی شده‌اند، خاطرات هیجانی منفی به راحتی قابل دسترسی می‌باشد و این خاطرات در اغلب موارد پریشان‌کننده هستند. همچنین، افراد دارای آسیب، مدت زمان بیشتری را صرف بازخوانی خاطرات هیجانی منفی می‌کنند و در برخی موارد، حتی اگر حادثه را به صورت مستقیم تجربه نکرده باشند، به تصور ذهنی این حادثه مشغول می‌شوند و با هیجانات منفی شدیدی روبه‌رو می‌شوند؛ به گونه‌ای که به نظر می‌رسد رویداد ناراحت‌کننده را به صورت مستقیم تجربه کرده‌اند (۵۰).

بر مبنای آنچه از یافته‌ها به دست آمد، برخی افراد شرکت‌کننده وضعیتی از قضاوت منفی نسبت به خود و دیگری را شرح دادند که می‌توان آن را بر مبنای نظریه دلبستگی «آسیب رسیدن به مدل‌های ذهنی از خود و دیگری» توصیف نمود. مدل‌های ذهنی شامل ادراک و انتظارات افراد در ارتباط با دو موضوع وسیع و همبسته است؛ یکی این که آیا ارزش دوست داشته شدن را دارند؟ (مدل ذهنی از خود) و دوم این که آیا چهره‌های دلبستگی در دسترس، پاسخگو و قابل اعتماد هستند؟ (مدل ذهنی از دیگری) (۳۸). مدل‌های ذهنی دلبستگی، اطلاعات حیاتی در مورد طرد و رد کردن را بیان می‌کنند و نقش مهمی در واکنش‌های هدایت‌کننده به رویدادهای ارتباطی دارند (۵۱). بنابراین، رویدادهایی که دیدگاه‌های مثبت از خود یا دیگران را به خطر می‌اندازند، احتمالاً به عنوان تهدید برای امنیت دیده می‌شوند و ممکن است به عنوان یک نوع آسیب که در بسیاری از جنبه‌ها شبیه به آسیب جسمی است، تجربه شوند. این آسیب موجب می‌شود که فرد در معرض آسیب، باورهای اصلی خود نسبت به خود، دیگران و رابطه را زیر سؤال ببرد (۵۲).

بر اساس سبک‌های دلبستگی، شاید بتوان چنین استدلال نمود که افراد دارای اضطراب، بیشتر مدل ذهنی منفی از خود را فعال‌سازی می‌نمایند و فردی با مدل ذهنی منفی از خود، قضاوت‌های سخت و غیر معمولی نسبت به خود را تجربه می‌کند. در واقع، این افراد اهمیت خود را برای دیگری زیر سؤال می‌برند و به دنبال این زیر سؤال بردن خود، احساس بی‌ارزشی بیشتری می‌کنند و به دنبال جلب توجه از راه‌های مختلف برمی‌آیند. در افراد با سبک دلبستگی اجتنابی، بیشتر مدل ذهنی منفی از دیگران فعال و بر مبنای آن، دیگری فردی بی‌ارزش و دوست نداشتنی توصیف می‌شود که ارزش وقت گذاشتن برای بهبود رابطه را ندارد (۵۳). به نظر می‌رسد وقتی فرد با شخصی مواجه است که او را درک نمی‌کند، احساساتش را نمی فهمد و خیلی خودخواه است، تجربیات فردی‌اش در رابطه را به کل افراد جامعه تعمیم می‌دهد و از اسنادهای منفی استفاده می‌کند؛ یعنی اسنادهایی را به کار می‌برد که به طور عمده پایدار، کلی و درونی هستند و احتمال تغییر آن‌ها اندک می‌باشد. این وضعیت می‌تواند در طولانی مدت، پایداری رابطه را کاهش و عمق آسیب را افزایش دهد؛ چرا که افراد را در موقعیتی قرار می‌دهد که دیگر امیدی به بهبود رابطه نمی‌بینند.

از جمله محدودیت‌های پژوهش حاضر، مصاحبه با دختران در محیط دانشگاه بود. بنابراین، پیشنهاد می‌گردد در مطالعات آینده مصاحبه با پسران و در محیط‌های دیگر نیز انجام گیرد. همچنین، بهتر است با توجه به افزایش روابط عاطفی قبل از ازدواج، توجه ویژه‌ای به برنامه‌های آموزشی به منظور آگاه‌سازی جوانان و پیشگیری از روابط عاطفی آسیب‌زا شود.

نتیجه‌گیری

در مجموع می‌توان نتیجه گرفت که دختران بدون شناخت و آگاهی از نیازهای عاطفی خود وارد روابط عاطفی می‌شوند که ممکن است منجر به آسیب‌های روحی و روانی در آنان شود. بر این اساس، دخترانی که در روابط عاطفی مورد اذیت و آزار قرار می‌گیرند، یک فرایند خود انتقادگری، احساس ناکافی بودن، خشم و تنفر از خود را تجربه می‌کنند و به دنبال این تجارب آسیب‌زا، بی‌اعتمادی، شک و تردید، ترس و احساس خشم به دیگری را نیز تجربه می‌نمایند. آسیب‌های هیجانی ایجاد شده، احساس خودارزشمندی، اعتماد به ادراک خویش و خودپنداره را تحت تأثیر قرار می‌دهد. همچنین، به دنبال چنین تجاربی، علایمی مانند نداشتن توان و انرژی لازم در انجام امور خود، احساس غمگینی و ناامیدی از بهبود رابطه و شرایط زندگی و این که ای کاش می‌مردم و داشتن افکار خودکشی را نیز تجربه می‌کنند. برخی دیگر در روابط نگرانی و ترس از قضاوت دیگران، استرس زیاد، بی‌قراری و واکنش‌های هیجانی ناسازگار از جمله ترس از تنهایی، طرد شدن، رها شدن، انزوا و احساس سرخوردگی را تجربه می‌نمایند و به دنبال آن «آسیب‌های رفتاری» شامل رفتارهای تکانشی مانند آسیب زدن به خود یا اقدام به خودکشی را تنها راه برای رسیدن به خواسته‌هایشان و جلب نظر دیگری، بدون تأمل و بدون تحلیل و ارزیابی صحیح از پیامدهای مثبت و منفی آن انجام می‌دهند. از جمله آسیب‌های شناختی تجربه شده، مرور مکرر رویدادهای منفی در ذهن‌شان است و در نهایت، خودشان و دیگری که به آنان آسیب زده است را مورد قضاوت قرار می‌دهند و این اعتقاد را پیدا می‌کنند که ارزش عشق و دوستی را ندارند و به دنبال آن، این احساس را پیدا می‌کنند که نمی‌توانند با شخص دیگری رابطه سالم و منطقی داشته باشند و از این‌رو، در طی رابطه عاطفی توانایی ترک این رابطه آزار دهنده را در خود نمی‌بینند و تمام

[Downloaded from hsr.mui.ac.ir on 2026-11-14]

[DOI: 10.48305/jhsr.v21i1.1586]

شرایطی که به آنان در این رابطه آزار دهنده تحمیل می‌شود را بدون چون و چرا می‌پذیرند و یا این که تلاش وسواس‌گونه برای جلب محبت شریک عاطفی خود می‌کنند، اما غافل از این که با نادیده گرفتن خود، عزت نفس‌شان را به سوی نابودی می‌برند و همواره به صورت ناخودآگاه به دنبال یافتن نقصی در درون خود می‌باشند و از هر فرصتی برای کسب اطمینان از علاقه طرف مقابل نسبت به خود استفاده می‌کنند و همواره احساس نارضایتی از خود بیشتر و بیشتر می‌شود. با توجه به یافته‌های مطالعه حاضر، ضروری است که مسؤولان و متولیان سلامت، اجرای برنامه‌های حمایتی، آموزشی و مشاوره‌ای در جهت پیشگیری و کاهش آسیب‌های ناشی از آن را در اولویت قرار دهند. همچنین، تهیه بسته‌های آموزشی- درمانی جهت کاهش آسیب‌های ناشی از آن را تدارک ببینند.

تشکر و قدردانی

پژوهش حاضر برگرفته از پایان‌نامه مقطع دکتری تخصصی با شماره ۱۸۸۵۴۸۱۴۶۸۹۷۵۹۲۳۵۹۰۳۷۱۶۲۹۲۹۹۹۰ و کد اخلاق IR.IAU.NAJAFABAD.REC.1403.088، مصوب دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمینی‌شهر می‌باشد. بدین وسیله از اداره مشاوره و سلامت دانشگاه علوم پزشکی اصفهان و شرکت‌کنندگانی که با وجود حساسیت موضوع مورد نظر، در انجام این مطالعه همکاری نمودند، تشکر و قدردانی به عمل می‌آید.

References

1. Greenberg LS, Goldman RN. Emotion-focused couples therapy: The dynamics of emotion, love, and power. American Psychological Association; 2008.
2. Dattilio FM, Epstein NB. Cognitive-behavioral couple and family therapy.InHandbook of family therapy 2015 Dec 7 (pp. 89-119). Routledge.
3. Dost MT, Aras S. Close relationship belief and self-change as predictors of romantic relationship quality in university students. Pegem Journal of Education and Instruction. 2021; 11(1): 135-62.
4. Engel B. The emotionally abusive relationship: How to stop being abused and how to stop abusing. John Wiley & Sons; 2023 Sep 6.
5. Linda KD. Educating about dating violence: The presentation of psychological abuse (Doctoral dissertation, American University). 2007.
6. Vidourek RA. Emotional abuse: Correlates to abuse among college students. Journal of Aggression, Maltreatment & Trauma. 2017; 26(7): 792-803.
7. Creydt E. The relationship between emotional abuse, depression, and birth order positioning in adolescent girls. Adler School of Professional Psychology; 2010.
8. Benjet C, Borges G, Miah S, Albor Y, Gutiérrez-García RA, Zavala Berbena A, Guzmán R, Vargas-Contreras E, Hermosillo de la Torre AE, Hernandez Uribe PC, Quevedo G. One-year incidence, predictors, and accuracy of prediction of suicidal thoughts and behaviors from the first to second year of university. Depression and anxiety. 2022 Dec; 39(12): 727-40.
9. Oh HY, Marinovich C, Jay S, Zhou S, Kim JH. Abuse and suicide risk among college students in the United States: Findings from the 2019 Healthy Minds Study. Journal of affective disorders.2021; 282: 554-60.
10. Yoshihama M, Horrocks J, Kamano S. The role of emotional abuse in intimate partner violence and health among women in Yokohama, Japan. American journal of public health. 2009; 99(4): 647-53.
11. Murphy CM, Hoover SA. Measuring emotional abuse in dating relationships as a multifactorial construct.Violence Vict 1999; 14: 39-53.
12. Ilknur AA, Ozge O, Durdane Y, Dilek CE. University students' problem-solving behaviors and exposure to dating abuse in their romantic relationship. Prog Health Sci 2014;4:123-30
13. Klein W, Li S, Wood S. A qualitative analysis of gaslighting in romantic relationships. Pers Relat 2023; 30: 1316-40.
14. Barahimi N, Ahmadi SA, Abedi MR. Simple and Multiple Relationships between Emotional Abuse and Mental Disorders in the women of Esfahan. 2009; 7(2): 77-95. [In Persian].
15. Lincoln YS, Guba EG. Naturalistic inquiry. 1985; (vol. 75). Beverly Hills, CA: Sage.
16. Riggs SA. Childhood emotional abuse and the attachment system across the life cycle: What theory and research tell us.InThe effect of childhood emotional maltreatment on later intimate relationships 2010 Jul 9 (pp. 5-51). Routledge.
17. Moreno-Manso JM, Blazquez-Alonso M, García-Baamonde ME, Guerrero-Barona E, Pozueco-Romero JM. Gender as an explanatory factor of psychological abuse in dating couples.Journal of Social Service Research. 2014; 40(1): 1-14.
18. Goldman RN, Greenberg LS. Case formulation in emotion-focused therapy: co-creating clinical maps for change. Washington DC: American Psychological Association; 2015. Translated by Ramazani A, Sharifzadeh M, Rasouli SS. Tehran, Iran:Virayeshpublications; 2020. [In Persian].
19. Johnson, SM, Campbell TL. A primer for Emotion Focused Individual Therapy (EFIT): Cultivating Fitness and

[Downloaded from hsr.mui.ac.ir on 2026-11-14]

[DOI: 10.48305/jhsr.v21i1.1586]

Growth in Every Client; 2021. Translated by Sedighi F, FarahBakhsh K. Tehran, Iran: Arsabaran publications; 2023. [In Persian]
20. Heller L, LaPierre A. Healing developmental trauma: How early trauma affects self-regulation, self-image, and the capacity for relationship. North Atlantic; 2012 Sep 25.
21. Fitness J. Betrayal, rejection, revenge, and forgiveness: An interpersonal script approach. Interpersonal rejection. 2001: 73-103.
22. Carter L, Knox J, McFadden J, West M. Panel: the alchemy of attachment. Trauma, fragmentation and transformation in the analytic relationship.Journal of Analytical Psychology. 2011; 56(3): 334-61.
23. Hancock K, Keast H, Ellis W. The impact of cyber dating abuse on self-esteem: The mediating role of emotional distress. Cyberpsychology: Journal of Psychosocial Research on Cyberspace. 2017; 11(2).
24. Bartholomew K, Horowitz LM. Attachment styles among young adults: a test of a four-category model. Journal of personality and social psychology. 1991; 61(2): 226.
25. Treboux D, Crowell JA, Waters E. When" new" meets" old": configurations of adult attachment representations and their implications for marital functioning.Developmental psychology. 2004; 40(2): 295.
26. Wearden AJ, Lamberton N, Crook N, Walsh V. Adult attachment, alexithymia, and symptom reporting: An extension to the four category model of attachment. Journal of psychosomatic research. 2005; 58(3): 279-88.
27. Johnson B, Murray K. Crazy love: dealing with your partner's problem personality; 2007. Translated by sadugh M. Tehran, Iran: catibeaparci publications; 2017. [In Persian]
28. Longmore MA, Manning WD, Giordano PC, Copp JE. Intimate partner victimization, poor relationship quality, and depressive symptoms during young adulthood.Social science research. 2014; 48: 77-89.
29. Wolford-Clevenger C, Grigorian H, Brem M, Florimbio A, Elmquist J, Stuart GL. Associations of emotional abuse types with suicide ideation among dating couples. Journal of aggression, maltreatment & trauma. 2017 21; 26(9): 1042-54.
30. Abbas J, Aqeel M, Ling J, Ziapour A, Raza MA, Rehna T. Exploring the relationship between intimate partner abuses, resilience, psychological, and physical health problems in Pakistani married couples: a perspective from the collectivistic culture. Sexual and Relationship Therapy. 2023; 38(3): 431-60.
31. Chen C, Qin J. Emotional abuse and adolescents' social anxiety: The roles of self-esteem and loneliness. Journal of family violence. 2020 Jul; 35(5): 497-507.
32. Watson J, Greenberg L. Emotion-focused therapy for generalized anxiety. Washington DC: American Psychological Association; 2017. Translated by Ramazani MA, Honarvar M, GhaemMaghami A. Tehran: Virayesh Publishers; 2019. [In Persian].
33. Schore AN. Advances in neuropsychoanalysis, attachment theory, and trauma research: Implications for self psychology. Psychoanalytic inquiry. 2002; 22(3): 433-84.
34. Riggs SA, Cusimano AM, Benson KM. Childhood emotional abuse and attachment processes in the dyadic adjustment of dating couples. Journal of counseling psychology. 2011; 58(1): 126.
35. Neumann E. Emotional abuse in childhood and attachment anxiety in adult romantic relationships as predictors of personality disorders.Journal of Aggression, Maltreatment & Trauma. 2017; 26(4): 430-43.
36. Dye ML, Davis KE. Stalking and psychological abuse: Common factors and relationship-specific characteristics. Violence and Victims. 2003;18(2): 163-80.
37. Holmes J. Attachment, intimacy, autonomy: Using attachment theory in adult psychotherapy. Rowman & Littlefield; 1996.
38. Shaver PR, Mikulincer M. Adult attachment strategies and the regulation of emotion.Handbook of emotion regulation. 2007; 446: 465.
39. Modinos G, Ormel J, Aleman A. Individual differences in dispositional mindfulness and brain activity involved in reappraisal of emotion. Social cognitive and affective neuroscience. 2010; 5(4): 369-77.
40. Gay LE, Harding HG, Jackson JL, Burns EE, Baker BD. Attachment style and early maladaptive schemas as mediators of the relationship between childhood emotional abuse and intimate partner violence. Journal of Aggression, Maltreatment & Trauma. 2013; 22(4): 408-24.
41. Levy KN, Johnson BN, Clouthier TL, Scala J, Temes CM. An attachment theoretical framework for personality disorders.Canadian Psychology/PsychologieCanadienne. 2015; 56(2): 197.
42. Eifert GH, Heffner M. The effects of acceptance versus control contexts on avoidance of panic-related symptoms. Journal of Behavior Therapy and Experimental Psychiatry. 2003; 34(3-4): 293-312.
43. Francis L, Pearson D. The recognition of emotional abuse: Adolescents' responses to warning signs in romantic relationships. Journal of interpersonal violence. 2021; 36(17-18): 8289-313.

[Downloaded from hsr.mui.ac.ir on 2026-11-14]

[DOI: 10.48305/jhsr.v21i1.1586]

44. Forward S. Emotional blackmail when people around you use fear, obligation and guilt to exploit you. harpercollins publishers usa; 1997. Translated by Sheikh Javadi M. Tehran: paykan Publishers; 1998. [In Persian].
45. Leisring PA. Physical and emotional abuse in romantic relationships: Motivation for perpetration among college women. Journal of interpersonal violence. 2013; 28(7): 1437-54.
46. Hazan C, Shaver PR. Attachment as an organizational framework for research on close relationships. Psychological inquiry. 1994; 5(1): 1-22.
47. Steyert-Woods E. Young People's Experiences of Abuse and Conflict Within Their Intimate Partner Relationships. Lancaster University (United Kingdom); 2020.
48. Simpson JA, Rholes WS, Phillips D. Conflict in close relationships: An attachment perspective. Journal of personality and social psychology. 1996; 71(5): 899.
49. Corcoran KO, Mallinckrodt B. Adult attachment, self-efficacy, perspective taking, and conflict resolution. Journal of Counseling and Development. 2000; 78(4): 473-83.
50. Monti JD, Rudolph KD. Emotional awareness as a pathway linking adult attachment to subsequent depression.Journal of counseling psychology. 2014; 61(3): 374.
51. Downey G, Feldman SI.Implications of rejection sensitivity for intimate relationships.Journal of personality and social psychology. 1996; 70(6): 1327.
52. Johnson SM, Makinen JA, Millikin JW. Attachment injuries in couple relationships: A new perspective on impasses in couples therapy. Journal of marital and family therapy. 2001; 27(2): 145-55.
53. Makinen JA, Johnson SM. Resolving attachment injuries in couples using emotionally focused therapy: Steps toward forgiveness and reconciliation. Journal of consulting and clinical psychology. 2006; 74(6): 1055.

[Downloaded from hsr.mui.ac.ir on 2026-11-14]

[DOI: 10.48305/jhsr.v21i1.1586]